



بررسی گروه اسمی مفعولی در زبان فارسی از منظر دستور نقش‌گرای هلیدی

میترا قمرزاده^۱

مرضیه صناعتی^۲

چکیده

هدف اصلی مقاله‌ی حاضر با عنوان بررسی گروه اسمی مفعولی در زبان فارسی از منظر دستور نقش‌گرای هلیدی بررسی نقش این گروه در سه فرانش تجربی، بینافردی و متنی از این دستور است. اهداف جزئی‌تر عبارتند از: میزان هم‌سویی این گروه با طبقه‌بندی‌ها و تحلیل‌های مطرح در فرانش‌های ذکر شده، همچنین تأثیر حضور و عدم حضور نشانه‌ی مفعولی «را» در تعیین جایگاه و نقش این گروه. کتاب مقدمه‌ای بر دستور نقش‌گرای هلیدی و متیسس (۲۰۰۴) به‌عنوان چهارچوب نظری پژوهش انتخاب شده و روش پژوهش این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است. پیکره‌ی زبانی مورد مطالعه شامل ۱۰۰ بند/جمله تصادفی برگرفته از رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم اثر زویا پیرزاد است. نتایج به دست آمده بیانگر تطابق آراء مطرح در این دستور به ویژه در مورد گروه اسمی مفعولی بر پیکره‌ی زبان فارسی مورد بررسی در این مقاله است همچنین اینکه عدم حضور «را» در تعیین جایگاه و نقش گروه اسمی مفعولی تأثیری ندارد.

کلید واژه‌ها: دستور نقش‌گرای هلیدی، فرانش تجربی، فرانش بینافردی، فرانش متنی، گروه اسمی مفعولی فارسی.

✉ m_ghamarzadeh@yahoo.com

۱- کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

✉ msanaati20@gmail.com

۲- استادیار زبان شناسی همگانی، هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

مقدمه

مفعول و گروه اسمی مفعولی از آن چنان اهمیتی در دستور برخوردار است که در بررسی انواع دستور زبانها و مباحث رده‌شناختی بسیار به آنها پرداخته شده است. یکی از دستورهای مطرح در ایران و خارج از آن، دستور نقش‌گرای نظام‌مند است. در این دستور واحد مطالعه متن است و به منظور بررسی اجزای بندهای گوناگون از فرانش‌های متفاوت استفاده می‌شود. گروه اسمی مفعولی را نیز می‌توان از منظر هر یک از فرانش‌ها مورد بررسی قرار داد. نظر به اهمیت موضوع مفعول در فارسی از یک سو و اینکه در فارسی به طور خاص بر روی گروه‌های اسمی مفعولی از دیدگاه نقش‌گرایی هلییدی به‌طور مستقل کار نشده است انگیزه‌ای برای انجام این پژوهش گردید. مسئله‌ای که پژوهش حاضر بر آن استوار است بررسی نقش‌های متفاوت این گروه اسمی است.

برای رسیدن به اهداف ذکرشده سه پرسش مطرح است: در فرانش تجربی (Experimental Metafunction) از دیدگاه نقش‌گرای هلییدی چه ابزار معنایی با گروه اسمی مفعولی فارسی بیان می‌شود؟ در فرانش بینافردی (Interpersonal Metafunction) چه عنصرهایی با گروه اسمی مفعولی فارسی بیان می‌شود؟ گروه اسمی مفعولی در زبان فارسی با توجه به فرانش متنی (Textual Metafunction) چگونه تبیین می‌شود؟ هم‌چنین می‌توان فرضیه‌های متناظر با هر یک از سوالات فوق را به‌صورت زیر مطرح ساخت: در فرانش تجربی، گروه اسمی مفعولی فارسی با سه عنصر عامل (Actor)، هدف (Goal) و افزوده/ادات (Adjunct) بیان می‌شود. در فرانش بینافردی، گروه اسمی مفعولی با سه عنصر فاعل، متمم (Complement) و افزوده بیان می‌شود. در فرانش متنی، گروه اسمی مفعولی با عنصر خبر/پایان‌بخش (Rheme) بیان می‌شود.

روش پژوهش این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی و گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. پیکره مورد بررسی این پژوهش برگرفته از صد بند/جمله تصادفی از رمان *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم* نوشته زویا پیرزاد است. در ادامه پس از مروری بر پیشینه مطالعات ایرانی و غیرایرانی به تجزیه و تحلیل پیکره‌ی مورد پژوهش در هر یک از سه فرانش مذکور به‌طور جداگانه پرداخته و به علت محدودیت حجم تنها ۱۲ بند در بدنه مقاله و بقیه در بخش ضمیمه ارائه شده. در آخر نیز نتایج حاصله مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه‌ی پژوهش

با توجه به گستردگی آثار موجود در قالب دستور زبان فارسی و عنوان مقاله‌ی حاضر، تلاش نگارنده بر این است که در تهیه‌ی پیشینه، کارهایی مورد بررسی قرار گیرد که درباره‌ی مفاهیم گروه اسمی مفعولی و مفعول صورت گرفته است. بدین منظور پیشینه مقاله‌ی حاضر در دو بخش زیر تنظیم شده است:

بخش اول: پژوهش‌های سنتی و غیرنقش‌گرا درباره‌ی گروه اسمی مفعولی فارسی.

بخش دوم: پژوهش‌های نقش‌گرا درباره‌ی گروه اسمی مفعولی فارسی.

هم‌چنین، هریک از این دو بخش به دو زیرگروه پژوهش‌های غیرایرانی و ایرانی تقسیم می‌شوند. لازم به ذکر است که با توجه به عنوان و هدف مقاله‌ی حاضر در بخش اول تنها به ذکر نام پژوهشگران، دستورنویسان و زبان‌شناسان غیرایرانی و ایرانی اکتفا شده و در بخش دوم که با موضوع اصلی مطرح شده در این مقاله مرتبط است، توضیح بیشتری بیان شده است.

از دیرباز، در زمینه‌ی پژوهش‌های سنتی و غیرنقش‌گرا درباره‌ی گروه اسمی مفعولی فارسی پژوهشگران، دستورنویسان و زبان‌شناسان غیرایرانی بسیاری به‌طور خاص بر روی زبان فارسی کار کرده‌اند که نام برخی در زیر ذکر گردیده است: لمبتون (Lambton) (۱۹۵۳) [۲۰۰۳]، آرتز (Aarts) (۱۹۹۷) [۲۰۰۱]، کریمی (۲۰۰۳)، گنجوی (۲۰۰۷)، حسینی فاطمی (۲۰۱۴).

در ادامه نیز تنها نام تنی چند از دستورنویسان و پژوهشگران برجسته‌ی ایرانی که در زمینه‌ی اسم، گروه اسمی، مفعول و گروه اسمی مفعولی کار کرده‌اند، ذکر گردیده است: صادقی (۱۳۴۹)، طیب‌زاده (۱۳۸۲)، دبیرمقدم (۱۳۶۹) [۱۳۸۸] و راسخ‌مهند (۱۳۸۳)، (۱۳۸۴)، (۱۳۸۵)، (۱۳۸۹). در ادامه به پژوهش‌های نقش‌گرا پرداخته می‌شود.

در بخش پژوهش‌های نقش‌گرایی درباره‌ی گروه اسمی مفعولی فارسی همچون بخش قبل ابتدا به پژوهش‌گران غیرایرانی پرداخته شده است.

مایکل هلیدی در سال ۱۹۸۵ کتاب مقدمه‌ای بر دستور نقشی را نوشته و در آن از نظام و نقش به عنوان مفاهیم اصلی این دستور نام برده است. او در سال ۲۰۰۴ کتاب درآمدی بر دستور نقش‌گرایی را با بازنگری متیسن نوشته که مبنای آن همان کتاب مقدمه‌ای بر دستور نقشی وی است. این کتاب در طول سال‌های اخیر چندین بار به چاپ مجدد رسیده است.

چهارچوب مفاهیم دستور نقش‌گرایی هلیدی بر اساس نقش کلمات است نه صورت آنها. از اینرو، وی برای نقش دو مفهوم را در نظر می‌گیرد: الف) نقش‌های دستوری ب) نقش‌های زبانی. در این نظریه معنا به عنوان انتخاب مطرح است و در فرانش‌ها متجلی می‌شود. از نظر هلیدی بند واحد تجزیه و تحلیل متن است، به سه نوع معنا اشاره می‌کند و ایفای فرانش‌ها در آن صورت می‌گیرد. هر یک از این معانی با نقش خاصی در ارتباط است و این نقش‌ها در دستور نظام‌مند به‌عنوان فرانش مطرح می‌شوند. هر یک از این فرانش‌ها دارای برجستگی است که با هر یک از این معانی تطابق دارند. او در این فرانش‌ها به گروه‌های اسمی و فعلی پرداخته ولی به حروف اضافه‌ی مفعولی نپرداخته است. چرا که واحد مطالعه این دستور بند است نه واژه و از طرف دیگر در انگلیسی امروز عنصری مانند «را» وجود ندارد.

تامپسون (Thompson) (۱۹۹۶) [۲۰۰۴] در کتاب معرفی دستور نقش‌گرا به زبان ساده اصول و اصطلاحات دستور نقش‌گرا را برگرفته از دستور نقش‌گرایی هلیدی بیان می‌کند.

مورلی (Morely) (۲۰۰۰) در توصیف کتاب نحو در دستور زبان نقش‌گرا می‌گوید که این کتاب به تئوری میزان و مقوله اشاره می‌کند و هدف اصلی آن ارائه‌ی چهارچوب نحوی توصیفی است اما به لحاظ کلی بُعد نقش‌گرایی معنایی آن مدنظر است.

شکوهی و کیبکا (۲۰۰۳) در مقاله خود با عنوان «تحلیل موردی «را» در زبان فارسی» به تبیین گفتمانی پس‌اضافه‌ی «را» پرداخته‌اند. آنها مثال‌های ساده‌ایی که در آن «را» با گروه‌های اسمی و ضمیر در جایگاه مفعول مستقیم همراه است، ارائه کرده و به بررسی نظرات افراد مختلف پیرامون «را» پرداخته‌اند. در ادامه به پژوهش‌گران ایرانی پرداخته شده است.

باطنی (۱۳۴۸) [۱۳۸۶] در کتاب *توصیف دستور زبان فارسی* که برگرفته از رساله‌ی دکتری‌اش است، توصیف فنی از ساختمان زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه عمومی زبان ارائه شده از سوی هلیدی بیان می‌کند. دبیرمقدم (۱۳۸۳) به معرفی و بحث پیرامون توصیف‌ها و تحلیل‌های پانزده سال گذشته از «را» در چارچوب نظریه‌های ساختاری و نقشی/کارکردی پرداخته و تحولات نظری عمده‌ی مرتبط با این مباحث در زبان‌شناسی صورت‌گرا و نقش‌گرا را نقد کرده است.

صناعتی (۱۳۸۶) بخشی از فصل سوم رساله‌اش را با عنوان مفهوم‌شناسی در واژه‌سازی زبان فارسی، به معرفی دستور نقش‌گرای هلیدی و سه فرانش تجربی، بینافردی و متنی مطرح در آن و تقسیم‌بندی‌های مربوط به هر یک اختصاص داده است. هم‌چنین وی در گزارش علمی شرکت در «چهلمین همایش بین‌المللی [دستور] نقش‌گرای نظام‌مند» (۱۳۹۲) ضمن تشریح این همایش دو هفته‌ای و روند برگزاری کارگاه‌های آموزشی و سخنرانی‌های آن به معرفی مایکل هلیدی به عنوان بنیان‌گذار دستور نقش‌گرا و برخی دیگر از افراد سرشناس و تأثیرگذار این دستور پرداخته است.

از دیگر پژوهشگران ایرانی که همگی بر روی گروه اسمی مفعولی در زبان فارسی کار کرده‌اند، می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: غیاثیان (۱۳۷۹)، پهلوان‌نژاد و زمردیان (۱۳۸۳)، فهیم‌نیا (۱۳۸۷)، راسخ‌مهند (۱۳۸۷)، دستجردی کاظمی (۱۳۹۰)، کاظمی (۱۳۹۰).

چهارچوب نظری

شالوده نظری مقاله‌ی حاضر رویکرد نقش‌گرای هلیدی بر مبنای کتاب *درآمدی بر دستور نقش‌گرای هلیدی* و متیسن (۲۰۰۴) است. ریشه‌ی رویکرد نقش‌گرایی به نظرات افرادی هم‌چون پلمزلف (Hjelmslev)، فرث و مکتب پراگ (Prague School) برمی‌گردد (روبینز ۱۳۷۰، ۴۴۸). هلیدی در دستور نظام‌مند خود به نقش ارتباطی و کاربرد زبان می‌پردازد و بر ارائه‌ی تبیین‌های نقشی تأکید دارد. نگاه نقش‌گرایی به زبان نگاهی تجربه‌گرایانه است (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۴۴). واحد مطالعه در این مدل نظری، بند است. هر بند ممکن است به سه نوع معنا اشاره کند که هر یک از این معانی با نقش خاصی در ارتباط است و این نقش‌ها در دستور نظام‌مند به عنوان فرانش مطرح‌اند و عبارتند از: فرانش اندیشگانی (Ideational metafunction)، فرانش بینافردی/میان‌فردی و فرانش متنی. مفهوم فرانش یکی از مفاهیم اصلی این دستور است (تامپسون، ۲۰۰۴: ۳۰). در مقاله‌ی حاضر سطح پایین‌تر از بند یعنی گروه مورد نظر است که در دو فرانش بینافردی و متنی و از فرانش اندیشگانی تنها فرانش تجربی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. فرانشی تجربی

یکی از فرانشی‌های مهم دیدگاه نقش‌گرا، فرانشی تجربی است که به نحوه‌ی مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی حوادث و رخدادها در جهان داخل و خارج می‌پردازد. در واقع زمانی که تجربه از طریق محتوای گزاره‌ای و معنایی خود پیام شکل می‌گیرد، به صورت فرانشی تجربی نمایان می‌شود. سه عنصر فرایند، شرکت‌کننده و افزوده سه نقش عمده‌ی عناصر بند هستند. به این مثال توجه کنید: (۱) پرندگان در آسمان در حال پرواز هستند. تجربه‌ی ما در این بند شامل فرایند «در حال پرواز کردن»، شرکت‌کننده «پرندگان» و موقعیت «در آسمان» است. در تحلیل این بند باید گفت که در این بند کنش، کنش‌گر و مکانی که در آن کنش رخ داده، حضور دارند. هر یک از این عناصر توسط مقوله‌ی خاصی در دستور زبان بیان می‌شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۸۲-۱۶۸).

یکی از مباحث مهم و مطرح در دیدگاه نقش‌گرایی بحث گذرایی فعل و مفهوم متفاوت آن است. گذرایی/تعدی در دیگر نظریه‌ها به معنای همراهی مفعول با فعل است. اما در این دیدگاه در معنای وسیع‌تری به کار می‌رود. به عبارت دیگر سیستم گذرایی نه تنها برای توصیف فعل و مفعول جمله بلکه برای توصیف کل بند به کار می‌رود. از این دیدگاه گذرایی در مفهوم کارکردی به روابط بین فرایندها و شرکت‌کننده‌ها در بند مربوط می‌شود (تامپسون، ۲۰۰۴: ۹۰-۸۸). در فرانشی تجربی شش نوع فرایند با شرکت‌کننده‌های مرتبط مطرح است. هیچ‌یک از این فرایندها بر دیگری برتری ندارد و همگی با وجود کاربردهای متفاوت دارای ارزش برابر هستند. فرایندهای مادی (material process)، ذهنی (mental process) و رابطه‌ای (relational process) بسیار پرکاربرد و درعین‌حال مستقل‌اند و فرایندهای کلامی/بیانی (verbal process)، رفتاری (behavioural process) و وجودی (existential process) کم بسامدتر و غیرمستقل یا التقاطی‌اند و مشخصات مشترکی از دو فرایند دسته اول را دارا هستند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۷۲-۱۷۰). در ادامه توضیح مختصری از انواع فرایندها ارائه می‌شود.

۱-۱. فرایند مادی

فرایند مادی یا همان فرایند انجام دادن و رخ دادن یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین انواع فرایند است. این فرایند با اعمال فیزیکی هم‌چون دویدن، پرتاب کردن، پختن و غیره مرتبط است. اجزای این فرایند عبارتند از: عامل (کنش‌گر)، هدف (کنش‌پذیر) و افزوده (صناعتی، ۱۳۸۶: ۱۴۹):

(۱)

Edward	was sawing	Wood	out of the gate
کنش‌گر	فرایند مادی	کنش‌پذیر	افزوده

۲-۱. فرایند ذهنی

فرایند ذهنی یا فرایند حس کردن در بندهایی با افعال مربوط به حواس پنج‌گانه و افعالی مانند فکر کردن، دوست داشتن، شک کردن و غیره کاربرد دارد. شرکت‌کننده‌های این نوع فرایند حس‌گر (senser) و پدیده

(phenomenon) نام دارد. این فرایند همچون فرایند مادی دارای چهار زیر طبقه احساسی/واکنشی، شناختی، ادراکی و درخواستی است (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۰۱).

(۲)

Mary	liked	the gift	
حس‌گر	فرایند ذهنی: احساسی	پدیده	

۳-۱. فرایند رابطه‌ای

فرایند رابطه‌ای یا فرایند «بودن» دارای طبقه‌ی وسیعی از فرایندها است و نقش فرایند در بند، نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی بین دو مفهوم است. فرایند رابطه‌ای با توجه به تفاوت‌های دستوری خود به دو گروه تقسیم می‌شود: فرایند رابطه‌ای ویژگی بنیان (attributive relational process): این فرایند دارای دو شرکت‌کننده به نام‌های «ویژگی» (attribute) و «حامل» (carrier) است. فرایند رابطه‌ای شناسایی (identifying relational process) که دو شرکت‌کننده به نام‌های «شناسا» (identifier) و «شناخته» (identified) دارد (قمرزاده، ۱۳۹۳، ۸۱-۸۲).

(۳)

This bread	is	Stale	
حامل	فرایند رابطه‌ای	ویژگی	

(۴)

This	used to be	our dining room	
شناسا	فرایند رابطه‌ای	شناخته	

۴-۱. فرایند رفتاری

فرایند رفتاری، فرایندی التقاطی است که بین فرایندهای ذهنی و مادی قرارداد. هم‌چنین با فرایند کلامی نیز مربوط است. این فرایند، رفتار فیزیولوژیکی و روانی همچون نفس کشیدن، سرفه کردن، خندیدن، خواب دیدن، خیره‌شدن و غیره را دربر می‌گیرد. «رفتارگر» شرکت‌کننده‌ی اصلی و اجباری در این فرایند و «دامنه» یا «رفتار» شرکت‌کننده‌های دیگر آن هستند که دارای نقش متممی است (صناعتی، ۱۳۸۶: ۱۵۲):

(۵)

She	waved	her hands	helplessly
رفتارگر	فرایند: رفتاری	دامنه	افزوده

۵-۱. فرایند کلامی

فرایند کلامی در مرز بین فرایندهای ذهنی و رابطه‌ای است و افعال مربوط به گفتن را دربرمی‌گیرد. اجزای این فرایند عبارتند از: شرکت‌کننده‌های الزامی «گوینده» (sayer)، «دریافت‌کننده/گیرنده» (reciver)، شرکت‌کننده‌ی احتمالی «مقصد» (target)، شرکت‌کننده‌ی چهارم متفاوت از افراد در حال صحبت است و «نقل‌واره» (verbiage) نام دارد که خود نقل‌واره گروه اسمی است و شرکت‌کننده‌ی احتمالی پنجم که به کلام بسیار مرتبط است «موضوع» (matter) نام دارد. در زیر مثال‌هایی از این نوع فرایند ارائه شده است (تامپسون ۲۰۰۴، ۱۰۲-۱۰۰):

(۶ و ۷)

He	repeated		the warning.
I	explained	to her	what it mean
گوینده	فرایند: کلامی	گیرنده	نقل‌واره

۶-۱. فرایند وجودی

در فرایند وجودی بود و نبود و هستی و نیستی پدیده‌ای مطرح است. این فرایند با فعل «بودن» آمده و از این جهت مشابه فرایند رابطه‌ای است. از طرف دیگر چون بیانگر اتفاق افتادن و رخ دادن است با فرایند مادی مرتبط می‌شود. شرکت‌کننده‌ی اصلی همان شیء یا رویدادی که وجودش نشان داده می‌شود است و «موجود» (existent) نام دارد. در زبان انگلیسی برای بیان معنای وجودی، ساخت نحوی به نام ساخت وجودی به‌کار می‌رود. در این زبان «there» در جایگاه فاعل، حضور الزامی دارد اما بدون نقش اختصاصی است (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۵۹-۲۵۶).

(۸)

There	Was	a storm
	فرایند: وجودی	موجود: رویداد

همان‌طور که پیشتر گفته شد، شرکت‌کننده دارای یکی از سه نقش عمده‌ی عناصر بند است. با بررسی انواع فرایندها این نکته مشخص شد که در هر فرایند شرکت‌کننده حضور داشته و با توجه به نوع فرایند، نام شرکت‌کننده نیز تغییر کرده است.

عنصر مطرح دیگر در فرانش‌ها افزوده نام دارد. در دستور نقش‌گرای هلیدی به موقعیت، افزوده گفته می‌شود. در این دستور در هر سه فرانش‌ها افزوده حضور دارد. افزوده عنصری است که پتانسیل فاعل شدن را ندارد و به طور مشخص به صورت گروه قیدی یا عبارت حرف‌اضافه‌ای ظاهر می‌شود. به طور کلی، سه نوع افزوده‌ی موقعیتی، ربطی و وجه‌نمایی مطرح است که هر یک از این سه نوع با یکی از سه نوع فرانش در ارتباط است و در جایگاه‌های متفاوت ظاهر می‌شوند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۲۶-۱۲۵).

۲. فرانشی بینافردی

فرانشی بینافردی به‌عنوان دومین لایه معنایی یک بند ساده بیانگر چگونگی ارتباط گوینده/ نویسنده با شنونده/خواننده است. برقراری ارتباط و تعامل بین افراد یکی از هدف‌های اصلی زبان است. این ارتباط دارای مسیری دو طرفه بوده که در آن تبادل معنا مطرح می‌باشد. نقش‌های مورد تبادل در قالب دو گروه عرضه و تقاضا قابل بررسی‌اند و هر یک از این دو گروه به دو صورت کلامی و غیرکلامی نمایان می‌شوند. به طوری که در حالت کلامی، اطلاعات و در حالت غیرکلامی، کالا و خدمات مطرح است. به طور کلی می‌توان گفت که سه نقش فرمان، خبر و پرسش به ترتیب با سه ساختار دستوری امری، اخباری و استفهامی منطبق‌اند (اعلایی، ۱۳۸۸: ۹-۸).

در بندهای دارای فرانشی بینافردی عنصری به نام وجه (Mood) وجود دارد که بیشترین کمک را به ایجاد نقش تعاملی می‌کند و در سوالات کوتاه یک بخش از جمله تکرار می‌شود که برای مبادله اطلاعات لازم است. عنصر وجه خود شامل دو بخش است: فاعل و عنصر (یا عامل) خودایستا (finite) (صناعتی، ۱۳۸۶: ۱۵۴).

عنصر دیگر در این نوع بند، مانده (residue) نام دارد. ساختار مانده از سه قسمت فعل‌واژه (predicator)، متمم و افزوده تشکیل شده است. فعل‌واژه فرایند، فعالیت، رویداد یا حالتی را نشان می‌دهد که فاعل درگیر آن است. فعل‌واژه در تمام بندهای اصلی حضور دارد و در هر بند تنها یک فعل‌واژه وجود دارد. در یک بند ممکن است یک یا دو متمم وجود داشته باشد. متمم در مانده اغلب گروه اسمی است و می‌تواند جایگزین فاعل باشد؛ البته اگر متمم در بندی بیاید که فعل‌واژه با to be همراه باشد دیگر نمی‌تواند جایگزین فاعل شود و در آن صورت به آن «ویژگی» گفته می‌شود. در زیر نمونه‌ای بیان شده است (تامپسون، ۲۰۰۴: ۶۰-۶۱):

(۹)

We	will	have finished	by 6 o'clock for sure.
فاعل	خودایستا	فعل‌واژه	افزوده
وجه		مانده	

۳. فرانشی متنی

سومین فرانشی مطرح در دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی فرانشی متنی نام دارد. این سومین لایه معنایی با ساخت متن سر و کار دارد و نشان‌دهنده‌ی چگونگی ارتباط بین آنچه گفته می‌شود با آنچه قبلاً گفته شده و بافت پیرامون است (هلیدی و متینسن، ۲۰۰۴: ۳۰).

در فرانشی متنی دو نوع ابزار مطرح است: ۱- ابزار ساختاری که شامل ساخت موضوعی (thematic structure) و ساخت اطلاعاتی (information structure) است. ۲- ابزار غیرساختاری که انسجام با پنج زیر گروه آن را دربرمی‌گیرد. بحث ساخت اطلاعاتی اولین بار توسط متسیوس (Mathesius)، بنیان‌گذار

پراگ، به عنوان بخشی از مطالعات زبانی مطرح شد. وی بر این باور است که غیر از اولین جمله‌ی هر متن که معمولاً تمام اطلاعات آن اطلاع نو است، هر جمله دارای دو بخش است: ۱- بخشی که اطلاع مربوط خواننده می‌شود؛ یعنی اطلاعی که این جمله را با جمله‌های پیشین یا بافت غیر زبانی مربوط می‌کند و در اصل تکرار آن‌ها است. ۲- بخشی که اطلاع آگاهی‌بخش نام دارد؛ یعنی اطلاعی که از قبل در متن نیامده و در بافت غیر زبانی هم نیست. در مکتب پراگ اطلاع کهنه و مربوط Theme و اطلاع نو و آگاهی‌بخش Rheme نامیده می‌شود.

هلیدی با تعبیری متفاوت از دو اصطلاح مذکور و همچنین از آغازگر و پایان‌بخش صحبت می‌کند. وی معتقد است که بین ساخت موضوعی و ساخت اطلاعی رابطه‌ی معنادار نزدیکی برقرار است. اما این دو مفهوم با وجود مرتبط بودن، همپوشانی کامل ندارند. ساخت موضوعی گوینده محور و ساخت اطلاعی شنونده محور است (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۹۳).

در ساخت موضوعی -موضوع پژوهش حاضر- دو نقش آغازگر و پایان‌بخش مطرح می‌شود که با هم نظام آغازگر- پایان‌بخش را تشکیل می‌دهند. در این نظام از ساختار بند و آرایش و چینش کلمه‌ها و عبارت‌ها صحبت می‌شود. به طور کلی ساختاری که این لایه‌ی معنایی منتقل می‌کند «ساخت آغازگری- پایان‌بخشی» نامیده می‌شود. به اعتقاد هلیدی و متیسن بند به عنوان پیام دارای بخشی است که به صورت آغازگر، نقطه‌ی عطف پیام، بیان می‌شود و با بخش دوم یعنی پایان‌بخش ترکیب شده و پیام را تشکیل می‌دهد (اعلایی، ۱۳۸۸: ۹-۴).

تحلیل داده‌ها

آنچه در این قسمت از نظر می‌گذرد بیانگر بررسی الگوی دستوری نقش‌گرای هلیدی و مقایسه‌ی آن با دستور زبان فارسی و پرداختن به گروه اسمی مفعولی و جایگاه آن در بند از منظر سه فرانش تجربی، بینا فردی و متنی به عنوان هدف اصلی مقاله است. در این راستا، پیکره‌ی این پژوهش شامل ۱۰۰ بند تصادفی برگرفته از داده‌های رمان *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم* اثر زویا پیرزاد است. در جمع‌آوری پیکره‌ی مورد نظر به این نکته توجه شده که افعال بندهای جمع‌آوری شده از نوع گذرا/متعدی به همراه مفعول باشند. به منظور بیان و درک بهتر مطالب، در هر یک از این ۱۰۰ بند تصادفی به طور جداگانه گروه اسمی مفعولی شناسایی شده؛ سپس ۴ جایگاه و نقش برای گروه اسمی مفعولی در نظر گرفته و هر یک از آن‌ها با توجه به نوع فرانش مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. این ۴ جایگاه و نقش عبارتند از: ۱- جایگاه و نقش گروه اسمی مفعولی در بند نشان‌دار دارای فرایند مبتداساز. ۲- جایگاه و نقش گروه اسمی مفعولی بدون حضور آشکار نشانه‌ی مفعولی «را» در بند. ۳- جایگاه و نقش گروه اسمی مفعولی در بند بی‌نشان با حضور نشانه‌ی مفعولی «را» و عامل محذوف. ۴- جایگاه و نقش گروه اسمی مفعولی در بند بی‌نشان با حضور نشانه‌ی مفعولی «را» و عامل آشکار. در مقاله حاضر تنها به ذکر نمونه‌هایی بسنده شده و بقیه نمونه‌ها در پی‌نوشت مقاله بیان شده است.

همان‌طور که در بند شماره ۱۰ مشاهده می‌شود، فرایند مبتداسازی رخ داده و گروه اسمی مفعولی «چند دکان بازار را» به ابتدای بند منتقل شده است. در فرانش متن، این گروه اسمی مفعولی جزء آغازگر است. از این رو این بند نشان‌دار نامیده می‌شود. این گروه در فرانش تجربی به نام «دامنه/رفتار»، در فرانش بینافردی به عنوان «متمم» و در فرانش متن نیز به عنوان «آغازگر» است.

(۱۰) چند دکان بازار را سربازها به آتش کشیده‌اند.

چند دکان بازار را	سربازها	Ø	به آتش کشیده‌اند
گروه اسمی + نشانه مفعولی	گروه اسمی		گروه فعلی
دامنه	رفتارگر		فرایند رفتاری
متمم	فاعل	خودایستا (+قطعیت، گذشته، مثبت)	فعل‌واژه
وجه			
مانده			
آغازگر	پایان‌بخش		
فرانش متن			

بند شماره ۱۱ و جدول مربوط به آن بیانگر ویژگی حذف نشانه مفعولی «را» در زبان فارسی بدون ایجاد تغییر معنا است. ولی در مفهوم کلی بند، حضور این نشانه ملموس است. به عبارت دیگر با عدم حضور «را» نقش مفعول حذف نمی‌شود. بنابراین در بند شماره ۱۱ «ساندویچ» گروه اسمی مفعولی است و از نظر فرانش تجربی «دامنه»، در فرانش بینافردی «متمم» و در فرانش متن نیز «پایان‌بخش» محسوب می‌شود.

(۱۱) آرسینه ساندویچ گاز زد.

آرسینه	ساندویچ	Ø	گاز زد
گروه اسمی	گروه اسمی	نشانه مفعولی محذوف	گروه فعلی
رفتارگر	دامنه		فرایند رفتاری
فاعل	متمم	خودایستا (+قطعیت، گذشته، مثبت)	فعل‌واژه
مانده -			
وجه			
آغازگر	پایان‌بخش		
فرانش متن			

در بند شماره‌ی ۱۲، در گروه اسمی مفعولی «گل کاغذی سرخابی را» نشانه‌ی مفعولی «را» آشکارا حضور دارد. از نظر بررسی گروه اسمی مفعولی در فرانش تجربی «عامل(کنش‌گر)» و در فرانش‌های بینافردی و متنی مانند دو الگوی ارائه شده‌ی قبلی است.

(۱۲) گل کاغذی سرخابی را از روی پله برداشتم.

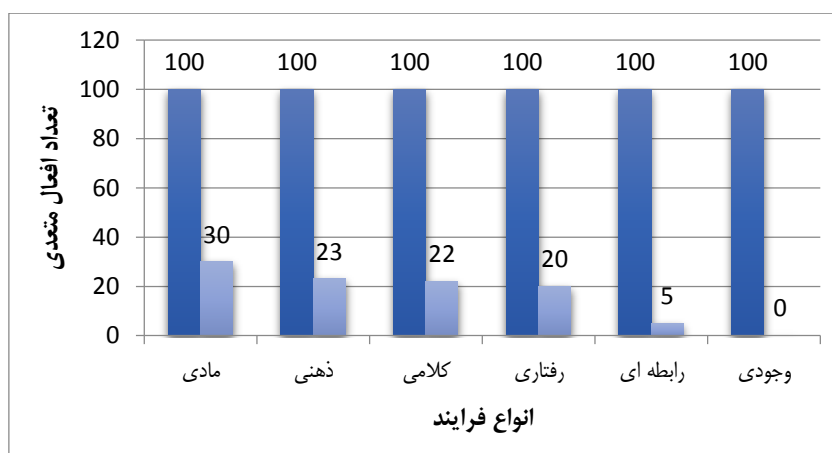
م -	برداشت	∅	از روی پله	گل کاغذی سرخابی را	∅	
گروه اسمی	گروه فعلی		گروه قیدی	گروه اسمی + نشانه مفعولی		طبقه ساختاری
شناسه	فرایند مادی: عمدی		افزوده موقعیتی	هدف(کنش پذیر)	عامل(کنش‌گر) محذوف	فرانش تجربی
شناسه فاعلی	فعل‌واژه	خودایستا [گذشته، مثبت، قطعیت]	افزوده	متمم	فاعل(محذوف)	فرانش بینافردی
	ده-		مان- -			
وجه						فرانش متنی
پایان بخش					آغازگر	

در بند شماره‌ی ۱۳، در گروه اسمی مفعولی «پیشنهاد همکاری را» نشانه‌ی مفعولی «را» حضور آشکار دارد. در این الگو ترتیب اجزای بند بی‌نشان به صورت «فاعل + مفعول + فعل» است. نقش گروه اسمی مفعولی در فرانش تجربی «پدیده» و در فرانش‌های بینافردی و متنی مانند نمونه‌های قبلی است.

(۱۳) پسرم پیشنهاد همکاری را پذیرفت.

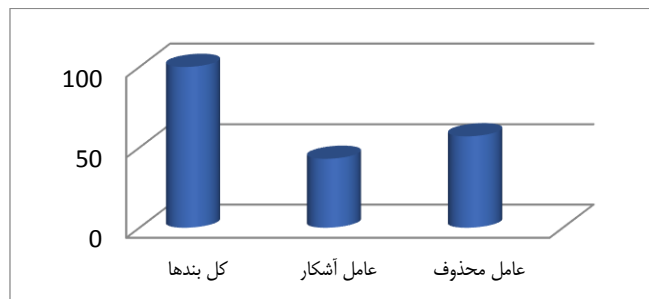
پذیرفت		پیشنهاد همکاری را	پسرم	
گروه فعلی		گروه اسمی + نشانه مفعولی	گروه اسمی	طبقه ساختاری
فرایند ذهنی: شناختی		پدیده	حس‌گر	فرانش تجربی
فعل‌واژه	خودایستا (+قطعیت، گذشته، مثبت)	متمم	فاعل	فرانش بینافردی
ده-		مان- -		
وجه				
پایان بخش			آغازگر	فرانش متنی

در ادامه، به سؤالات مطرح شده در ابتدای مقاله پاسخ داده می‌شود. برای پاسخ به پرسش اول به بررسی اجزای معنایی مطرح در فرانش تجربی پرداخته شد و پس از بررسی پیکره‌ی مورد پژوهش و تحلیل داده‌ها نتایجی به دست آمده که خلاصه‌ای از آن در زیر آمده است. در فرانش تجربی به علت وجود انواع فرایند، گروه اسمی مفعولی دارای نقش‌های متفاوت است. در زیر این اسامی و میزان توزیع هر یک ارائه شده است. لازم به ذکر است که میزان توزیع هر یک از فرایندها در واقع بیانگر میزان توزیع همان تعداد گروه اسمی مفعولی است. از بررسی و تحلیل نمودار ۱ می‌توان چنین گفت که بیشترین نوع فرایندها در فرانش تجربی فرایند مادی و گروه اسمی مفعولی با نام «هدف» است و در بقیه‌ی فرایندها گروه اسمی مفعولی با نام «پدیده، دامنه، مقصد/موضوع/گیرنده و حامل/شناخته» آمده است. در ضمن به دلیل نبود بندی با فرایند وجودی در این پیکره گروه اسمی مفعولی با نام «موجود» مطرح نشد.



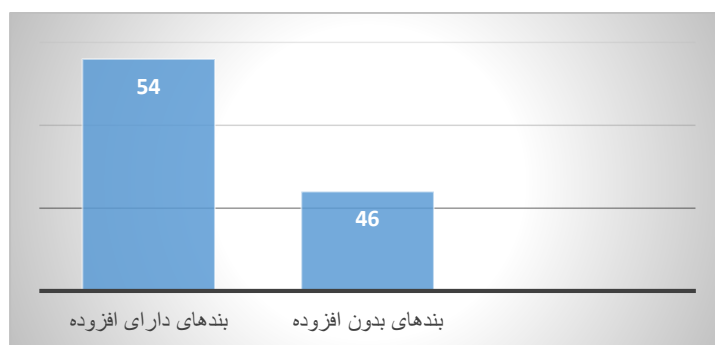
نمودار ۱: توزیع فراوانی انواع فرایند و نام گروه اسمی مفعولی در فرانش تجربی

عامل یکی دیگر از ابزار معنایی مطرح در فرانش تجربی است. در واقع باید گفت که عامل همان نقش فاعل را در بند ایفا می‌کند. با توجه به ویژگی ضمیرانداز بودن زبان فارسی در برخی از بندهای پیکره‌ی مورد پژوهش عامل محذوف مشاهده می‌شود. با توجه به آمار ارائه شده در جدول زیر می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در تمام بندهای پیکره‌ی مورد پژوهش عامل حضور دارد چرا که در حالت محذوف نیز به صورت شناسه‌ی آشکار یا مستتر وجود دارد.



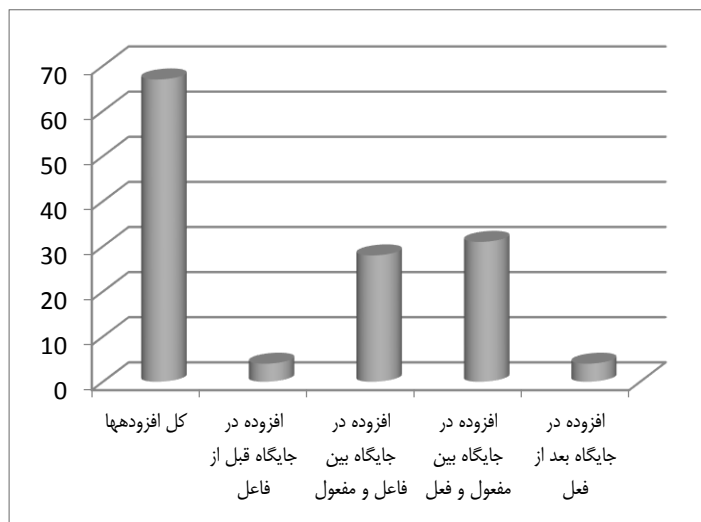
نمودار ۲: توزیع فراوانی عامل آشکار و عامل محذوف

افزوده عنصری اختیاری و ابزار معنایی مطرح در فرانش تجزیه است. به عبارت دیگر عدم حضور افزوده در ساختار بند خللی ایجاد نمی‌کند. در زیر میزان توزیع فراوانی این عنصر نشان داده شده است.



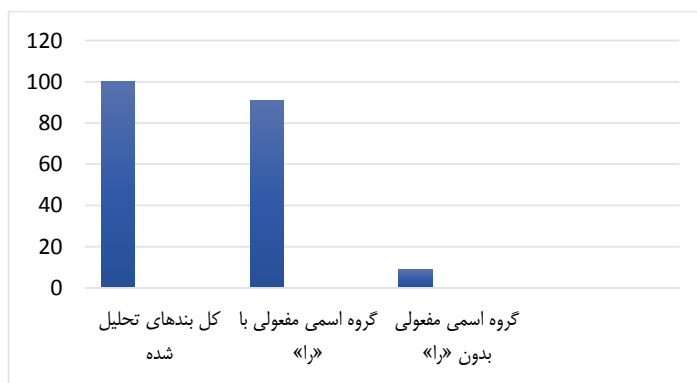
نمودار ۳: توزیع فراوانی بندها از نظر حضور و عدم حضور افزوده

با توجه به ویژگی حضور افزوده در جایگاه‌های مختلف می‌توان میزان توزیع فراوانی افزوده در پیکره‌ی مورد پژوهش را به صورت نمودار زیر ارائه نمود. لازم به ذکر است که در برخی از بندها بیش از یک افزوده حضور دارد، از این رو تعداد کل افزوده‌ها بیشتر از تعداد کل بندهای دارای افزوده است. همانطور که در نمودار زیر مشاهده می‌شود، افزوده‌ها در چهار جایگاه مختلف حضور دارند. بیشترین حضور افزوده در جایگاه بین مفعول و فعل و کمترین حضور در دو جایگاه قبل از فاعل و بعد از فعل است.



نمودار ۴: توزیع فراوانی بندهای دارای افزوده در جایگاه‌های مختلف

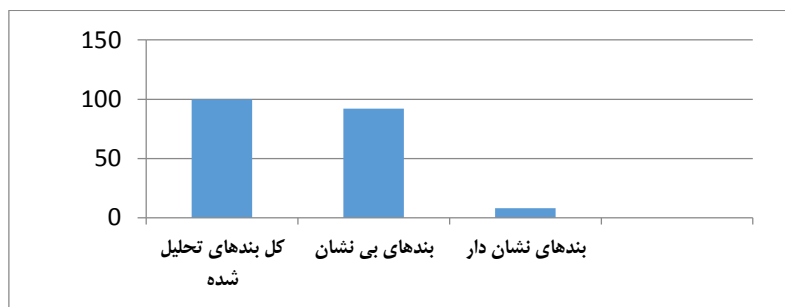
برای پاسخ‌گویی به سؤال دوم نیز همان مراحل قبل طی شد و با بررسی پیکره‌ی مورد پژوهش مشخص گردید که در فرانشس بینافردی گروه اسمی مفعولی به عنوان «متمم» مطرح می‌شود و حضور و عدم حضور نشانه‌ی مفعولی «را» در تعیین آن گروه به عنوان متمم تأثیری ندارد. در زیر نموداری از توزیع فراوانی گروه اسمی مفعولی با حضور و عدم حضور نشانه‌ی مفعولی «را» ارائه شده است.



نمودار ۵: توزیع فراوانی گروه اسمی مفعولی با حضور و عدم حضور نشانه مفعولی «را»

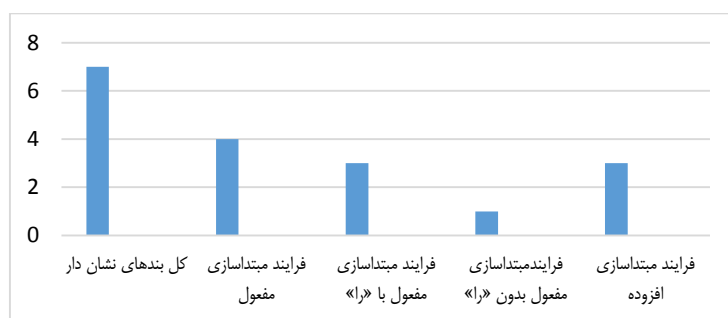
هم‌چنین برای سوال سوم نیز همین روند طی شد. با این تفاوت که در فرانشس متنی در پیکره‌ی مورد پژوهش در بندهای بی‌نشان گروه اسمی مفعولی فارسی با پایان‌بخش/خبر بیان می‌شوند. اما در بندهای

نشان‌دار اینگونه نیست. ۸ بند از کل ۱۰۰ بند بررسی شده که بند نشان‌دار هستند ولی تنها در ۴ بند آن گروه اسمی مفعولی فارسی با فرایند مبتداسازی مواجه شده و با آغازگر بیان شده است. در نمودار ۶ توزیع فراوانی بند نشان‌دار و بند بی‌نشان در پیکره‌ی مورد پژوهش ارائه شده است.



نمودار ۶: توزیع فراوانی بند نشان‌دار و بند بی‌نشان

در زیر نموداری از فرایندهای رخ داده در بندهای نشان‌دار ارائه شده است.



نمودار ۷: توزیع فراوانی بندهای نشان‌دار

نتیجه‌گیری

در پژوهش انجام شده، علاوه بر پاسخ‌گویی به سؤالات و اثبات فرضیه‌های مطرح شده در مقاله، موارد دیگری از جمله میزان توزیع فراوانی و انواع بندهای نشان‌دار و بی‌نشان، انواع بندهای دارای افزوده و تعیین جایگاه آن‌ها در بند، عامل آشکار و عامل محذوف، انواع فرایند و نام گروه اسمی مفعولی در فرانش تجریمی در کل پیکره‌ی مورد پژوهش مورد توجه قرار گرفته و حاصل آن در نمودارهای ۱ تا ۷ نمایش داده شده است.

در ادامه نیز با بررسی یافته‌های به دست آمده چنین نتیجه‌گیری می‌شود که در زبان فارسی گروه اسمی یا اسم می‌تواند در جایگاه مفعول ایفای نقش کرده و حضور و عدم حضور نشانه‌ی مفعولی «را» تأثیری در تعیین جایگاه و نقش آن ندارد. همچنین در مقایسه‌ی دستور نقش‌گرای هلیدی با دستور زبان فارسی می‌توان به این نتیجه رسید که بیشتر یافته‌های این دستور با یافته‌های دستور زبان فارسی مطابقت دارد و شاهد این ادعا تأیید فرضیه‌های اول و دوم و قسمتی از فرضیه سوم این پژوهش است.

پی‌نوشت

در این قسمت نمونه‌های مشابه با هر یک از ۴ نوع جایگاه و نقش گروه اسمی مفعولی مطرح شده در مقاله، به تفکیک بیان شده است. همان‌طور که در مقاله ذکر شده در فرانشس تجربی به علت وجود انواع فرایند، گروه اسمی مفعولی دارای تنوع نام است. در ادامه گروه اسمی مفعولی هر بند با خط زیر آن مشخص و نام این گروه به تفکیک و نام فرایند مربوطه در پرانتز قید شده است. لازم به ذکر است که به دلیل محدودیت حجم مقاله و گستردگی حجم پیکره‌ی مورد پژوهش در ادامه از ارائه جدول نمونه‌ها خوداری کرده و تنها بندهای نمونه ذکر می‌گردد و علاقمندان می‌توانند با مراجعه به پایان‌نامه‌ی قمرزاده (۱۳۹۳) تمام جدول‌ها را مشاهده نمایند.

در جایگاه و نقش ۱ فرایند مبتداسازی گروه اسمی مفعولی رخ داده است. نمونه‌های ۱ و ۲ قید شده در زیر نمونه‌های مشابه با بند شماره‌ی ۱۰: چند دکان بازار را سربازها به آتش کشیده‌اند؛ و منطبق با آن قید شده است.

۱. این کارها را باغبان شرکت می‌کند.

در نمونه شماره‌ی ۱ «این کارها را» گروه اسمی مفعولی است که مانند گروه اسمی مفعولی بند ۱۰ در فرانشس تجربی به نام دامنه (فرایند رفتاری)، در فرانشس بینافرادی به نام متمم و جزء مانده و در فرانشس متنی جزء آغازگر است.

۲. محل کارم را خودم صبح تا غروب می‌بینم.

در نمونه شماره‌ی ۲ «محل کارم را» گروه اسمی مفعولی با نام پدیده (فرایند ذهنی) در فرانشس تجربی است. در فرانشس دیگر نیز مانند دو نمونه‌ی قبلی نام‌گذاری می‌شود.

در جایگاه و نقش ۲ حذف نشانه مفعولی «را» از گروه اسمی مفعولی رخ داده است. از کل پیکره‌ی مورد پژوهش ۸ بند مشابه با بند شماره‌ی ۱۱: آرسینه ساندویچ گاز زد؛ که منطبق بر آن بود، یافت شده است. گروه اسمی مفعولی در بندهای شماره ۱۱، ۱ و ۲ به نام دامنه (فرایند رفتاری)، در بندهای شماره ۳ و ۴ به نام پدیده (فرایند ذهنی)، در بندهای شماره‌ی ۵، ۶ و ۷ به نام هدف (فرایند مادی) و در بند شماره‌ی ۸ به نام موضوع (فرایند کلامی) است. اما در فرانشس بینافرادی این گروه در هر ۹ بند به عنوان متمم و جزء مانده و در فرانشس متنی نیز جزء پایان‌بخش است. لازم به ذکر است که شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۵، ۶ و ۸ دارای ویژگی عامل محذوف نیز هستند.

(۱) با قاشق و چنگال ادای شمشیربازی درآورد.

(۲) سر تکان داد.

(۳) حرف‌هایی که شنیدی.

(۴) من هرچه توی دلم داشتم می‌ریختم بیرون.

(۵) بعد از جعبه کلینکس دستمالی بیرون کشید.

(۶) ناهار باشگاه بخوریم.

(۷) من میز می‌چینم.

(۸) ماکسیم گورکی بخوانیم.

در جایگاه و نقش ۳ نشانه مفعولی «را» حضوری آشکار دارد. هم‌چنین عامل محذوف در تمامی نمونه‌های مشابه آن دیده شده است. در زیر نمونه‌های مشابه با بند شماره ۱۲: گل کاغذی سرخابی را از روی پله برداشتم؛ و منطبق با آن بیان شده است. گروه اسمی مفعولی در بندهای شماره‌های ۱ تا ۱۸ زیر در فرانشش تجربی همانند بند ۱۲ به نام هدف (فرایند مادی)، از شماره‌های ۱۹ تا ۲۸ به نام پدیده (فرایند ذهنی)، از شماره ۲۹ تا ۴۰ به نام دامنه (فرایند رفتاری)، از شماره ۴۱ تا ۴۷ به نام موضوع (فرایند کلامی)، از شماره ۴۸ تا ۵۰ به نام مقصد (فرایند کلامی) و شماره ۵۱ به نام ویژگی (فرایند کلامی) است.

(۱) پرده‌ی اتاق دوقلوها را کشیدم.

(۲) بشقاب و لیوان چهارم را گذاشتم.

(۳) دست‌ها را از پشت به هم قلاب کرده بود.

(۴) کیف‌ها را با لگد پس زدم.

(۵) شلوار سرمه‌یی و پیراهن سفید مدرسه را از روی زمین برداشتم.

(۶) درِ اتاق آرمن را بستم.

(۷) فنجان‌ها و بشقاب‌ها را گذاشتم توی ظرفشویی.

(۸) چراغ‌ها را خاموش کردم.

(۹) اشک‌هایم را پاک کردم.

(۱۰) پیراهن سیاه محبوبش را پوشیده بود.

(۱۱) رول چهارم را از وسط قاچ دادم.

(۱۲) لیوان را برداشت.

(۱۳) گردن‌بند را ول کرد.

(۱۴) این آشغال‌ها را چرا نگه‌داشتی؟

(۱۵) دامنش را پایین کشید.

(۱۶) آخرین جرعه قهوه را خورد.

(۱۷) یکی از عکس‌های عروسی را قاب نمی‌کنی؟

(۱۸) لباس‌های جشن آخر سال دوقلوها را می‌دوختم.

(۱۹) اصلا چرا دعوت را قبول کرده بودم.

(۲۰) حتما تعجب را در نگاهم دید.

(۲۱) اجازه‌اش را می‌گیری.

(۲۲) از لای در صورت گریان امیلی را دیدم.

(۲۳) زیر چشمی دوروبر را نگاه می‌کرد.

(۲۴) از نهر صدای قورقور یک بند قورباغه‌ها را می‌شنیدم.

- (۲۵) پسر را از عنوان و ارث محروم می‌کند.
- (۲۶) ماجرای پگوف و شمخال را شنیدید؟
- (۲۷) پسر بچه‌ها را تا آن روز ندیده بودم.
- (۲۸) کیک را همین‌جا به نگرو سفارش می‌دهم.
- (۲۹) همیشه بهارهای باغچه را لگد می‌کرد.
- (۳۰) باید خاکش را عوض می‌کردم.
- (۳۱) نشانی خواربارفروشی ادیب را گرفت.
- (۳۲) بچه‌ها را از سینما برداشتم.
- (۳۳) شماره تلفن معلم پیانو بچه‌ها را یادداشت کرد.
- (۳۴) از آن ده کوره چطور این‌ها را فرستادند؟
- (۳۵) با دست درتوری را نگه داشتم.
- (۳۶) نفسم را حبس کردم.
- (۳۷) گوشواره را به گوش زد.
- (۳۸) پلک‌ها را با مژه‌های ریمل زده تندتند باز می‌کرد.
- (۳۹) سبب زمینی‌ها را توی آبکش زیر و رو کرد.
- (۴۰) موهای سوفی را از پیشانی پس زدم.
- (۴۱) امیل سیمونیان را چطور توصیف کنم؟
- (۴۲) اولین سخنران را معرفی کرد.
- (۴۳) بیابان و کویر و آفتاب را درست مثل دکلمه‌ی شعرهای عاشقانه ادا کرد.
- (۴۴) قصه‌ی ساردو را می‌خوانم.
- (۴۵) پایان همیشگی قصه‌ها را تکرار کردم.
- (۴۶) عنوان‌های درشت خبرهای روزنامه را خواند.
- (۴۷) همه چیز را تعریف نکردی.
- (۴۸) پسر امیل سیمونیان را معرفی می‌کنم.
- (۴۹) خدا را شکر کردم.
- (۵۰) جمله را تمام کرد.
- (۵۱) حوصله‌ی هیچ کدام را نداری؟

در جایگاه و نقش ۴ نشانه مفعولی «را» و عامل، حضوری آشکار دارند. تمام نمونه‌های مشابه با بند شماره‌ی ۱۳: پسر همکار را پذیرفت؛ منطق با آن هستند. گروه اسمی مفعولی در بندهای شماره‌های ۱ تا ۱۰ زیر در فرانتش تجربی همانند بند ۱۳ به نام پدیده (فرایند ذهنی)، در شماره‌های ۱۱ تا ۱۷ به نام هدف (مادی)، از شماره ۱۸ تا ۲۳ به نام دامنه (فرایند رفتاری)، از شماره ۲۴ تا ۲۷ به نام موضوع (فرایند کلامی)، از شماره ۲۸ تا ۳۰ به نام گیرنده

(فرایند کلامی)، شماره‌ی ۳۱ به نام مقصد (فرایند کلامی)، شماره‌های ۳۲ و ۳۳ مملوک (فرایند رابطه‌ای)، شماره‌ی ۳۴ شناخته (فرایند رابطه‌ای) و شماره‌ی ۳۵ ویژگی (فرایند رابطه‌ای) است.

- (۱) بچه احمق حواسم را پرت کرد.
- (۲) آرسینه و آرمینه دست‌های امیلی را گرفته بودند.
- (۳) بویی که آدم را خواب‌آلود می‌کند.
- (۴) خانم سیمونیان گل‌ها را بو کرد.
- (۵) بچه‌ها چلو کباب باشگاه را دوست داشتند.
- (۶) مادر و آلیس دوباره جر و بحث را شروع کردند.
- (۷) آرسینه روی جلد کتاب را نگاه کرد.
- (۸) آسخن یکی از راحتی‌های تک‌نفره را نشان داد.
- (۹) تو این‌ها را از کجا بلد شدی؟
- (۱۰) ولیعهد سابق و سفیر شوروی اول خوب همدیگر را برانداز می‌کنند.
- (۱۱) آرمن صندلی را برای امیلی عقب کشید.
- (۱۲) مادرم روزی دوبار کف آشپزخانه را می‌شست.
- (۱۳) مادر قالیچه‌ی کف راهرو را آورده بود بیرون.
- (۱۴) ارمنی‌های جلفا دلمه را با چلوسفید می‌خورند.
- (۱۵) آسخن گنجینه‌های اتاق خواب را گردگیری می‌کرد.
- (۱۶) آن طرف اتاق ویولت آلبوم عکس‌های عروسی من و آرتوش را ورق می‌زد.
- (۱۷) امیلی دو دستش را گذاشت روی گونه‌ها.
- (۱۸) آقای ماداتیان با هیجان یادداشت‌های دستش را تکان داد.
- (۱۹) مادر نمکدان را کوبید روی میز.
- (۲۰) حتماً خانم مانیا تمرین را تعطیل می‌کند.
- (۲۱) آرمن صندلیش را پس زد.
- (۲۲) توی تالار هیچ کس خودش را باد نمی‌زد.
- (۲۳) قبل از اینکه انگلیسی‌ها زمین‌های آبادان را بخرند.
- (۲۴) خانم سیمونیان ظرف چینی کوچکی را به آرتوش تعارف کرد.
- (۲۵) مادر از نینا احوال پسرش تیگران را پرسید.
- (۲۶) مادر و آلیس طرز درست کردن فسنجان را توضیح می‌دادند.
- (۲۷) آرتوش دعوت را تکرار کرد.
- (۲۸) آرتوش دوقلوها را صدا کرد.
- (۲۹) مادر جواب سلام نینا را نداد.
- (۳۰) نینا از اتاق نشیمن امیل را صدا زد.
- (۳۱) آرسینه جمله‌ی خواهرش را تمام کرد.

- ۳۲) هرکس اخلاق خاص خودش را دارد.
- ۳۳) امیلی طاقتش را ندارد.
- ۳۴) زنه‌های ارمنی هم گرفتاری‌های خودشان را دارند.
- ۳۵) امیل فقط رنگ چشم‌ها و علاقه به کتاب را از پدرش به ارث برده.

منابع

- اعلایی، مریم (۱۳۸۸)، *بررسی کتاب‌های علوم انسانی (سازمان سمت) در چارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرایی هلییدی از منظر فراتش متنی و بینافردی*، رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸) [۱۳۸۶]، *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی بر بنیاد یک نظریه عمومی زبان*، تهران: امیرکبیر.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و رضا زمردیان (۱۳۸۳)، *تحلیل نحوی-معنایی ساختمان بند ساده در زبان فارسی بر پایه‌ی دستور نقش‌گرایی نظام‌مند هلییدی*، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (علمی- پژوهشی)، شماره ۱۴۵.
- جعفری، آزیتا (۱۳۸۸)، *توصیف و تحلیل افزوده‌ها در زبان فارسی معاصر: رویکردی نحوی و کلامی*، رساله‌ی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۹) [۱۳۸۸]، *پیرامون را در زبان فارسی*، پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جعفری، آزیتا (۱۳۸۳) [۱۳۸۸]، *زبان فارسی و نظریه‌های زبانی: در جستجوی چارچوبی برای تدوین دستور جامع زبان فارسی*، پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دستجردی کاظمی، مهدی (۱۳۸۸)، *توصیف گفتار دانش‌آموزان پایه اول دبستان بر اساس نظریه نقش‌گرایی نظام‌مند هلییدی*، رساله‌ی دکتری زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشکده زبان‌شناسی گروه زبان‌شناسی.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۳)، *جایگاه مفعول مستقیم در فارسی*، نامه فرهنگستان، شماره ۲۴.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۴)، *نشانه‌های مطابقه مفعولی در فارسی*، مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران، به کوشش مصطفی عاصی.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۵)، *شیوه نشان‌دادن فاعل و مفعول در زبان‌شناسی*، مجله‌ی زبان‌شناسی، شماره ۴۱.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۷)، *بررسی فرانش تجربی در داستان‌های کودکان و بزرگسالان نشریه: رودکی*، شماره ۲۳.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۹)، *مفعول‌نمایی افتراقی؛ نگاهی دیگر به «را»*، مجله‌ی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲.
- روبینز، آر. اچ. (۱۳۷۰)، *تاریخ مختصر زبان‌شناسی*، مترجم علی محمد حق‌شناس، تهران: نشر مرکز، کتاب ماد.

۱. - صادقی، علی‌اشرف (۱۳۴۹)، «را» در زبان فارسی، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۲، شماره ۱.
- صنعتی، مرضیه (۱۳۸۶)، مفهوم‌شناسی در واژه‌سازی زبان فارسی، رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صنعتی، مرضیه (۱۳۹۲)، گزارش علمی شرکت در چهلمین همایش بین‌المللی [دستور] نقش‌گرای نظام‌مند، ویژه‌نامه‌ی نامه فرهنگستان، شماره ۹.
- طبیب‌زاده، امید (۱۳۸۲)، مفعول‌نشانه‌ی اضافه‌ای در زبان فارسی، نامه فرهنگستان، شماره ۲۱.
- غیاثیان، مریم‌السادات (۱۳۷۹)، طبقه‌بندی نحوی - معنایی افعال زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فهیم‌نیا، فرزین (۱۳۸۷)، توصیف و تحلیل نقش‌گرایانه‌ی آغازگر از منظر رویکرد هلییدی در کتاب‌های فارسی و انشاهای دانش‌آموزان دبستان، رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کاظمی، فروغ (۱۳۹۰)، آغازگر و پایان‌بخش در متون علمی فارسی و انگلیسی بر پایه نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلییدی، رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.
- قمرزاده، میترا (۱۳۹۳)، بررسی گروه اسمی مفعولی در زبان فارسی از منظر دستور نقش‌گرای، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.
- منبع نمونه‌گیری:
- پیرزاد، زویا (۱۳۸۰)، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، تهران: نشر مرکز.
- Aarts, Bas (1997) [2001], *English syntax and argumentation*, Palgrave.
- Ganjavi, Shadi (2007), *Direct Objects in Peraian*, Doctoral dissertation: University of Southern California.
- Halliday, M.A.K. (1985), *An introduction to functional grammar* (first published), London: Hodder Arnold.
- Halliday, M.A.K. and Christian M.I.M. Matthiessen (2004), *An introduction to functional grammar (third edition)*, London: Hodder Arnold.
- Hosseini Fatemi, Maryam (2014), *The semantics of the Persian object marker-râ*, McGill Working Papers Linguistics, Winter 2014.
- Karimi, Simin (2003), *On Object Positions, Specificity, and Scrambling in Persian*, Blackwell Publishing.
- Lambton, Ann, K.S. (1953) [2003], *Persian Grammar*, Cambridge University Press.
- Morley, G. David (2000), *Syntax in functional grammar: an introduction to lexicogrammar in systemic linguistics*, Continuum London and New York.
- Shokouhi, Hussein and Peter Kipka (2003), *A discourse study of Persian râ*, Lingua 113.
- Thompson, Geoff (2004), *Introducing functional grammar (second edition)*, New -York: Arnold.